



سوگواری سیدالشهدا(ع) با رعایت پروتکل ها برگزار خواهد شد

گروه سیاست: رئیس جمهور روز پنجشنبه در جلسه کمیته های تخصصی ستاد ملی مقابله با کرونا با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی ایران از ابتدای شیوع ویروس کووید ۱۹ مقابله جدی با همه گیری آن را بر اساس استانداردهای علمی و جهانی...

صفحه ۲

شنبه ۴ مرداد ۱۳۹۹ • ۴ ذی الحجه ۱۴۴۱ • ۲۵ جولای ۲۰۲۰



شکایت به ایکائو به دنبال مزاحمت جنگنده های آمریکایی در مسیر هواپیمای مسافربری ایران

اعتراض به تعرض

دستیار قالیباف از تشکیل پرونده علیه میرسلیم خبر داد

پازل حذف اصولگرایان سنتی تکمیل می شود؟



عکس: فکداد مددی، تسنیم

صفحه ۲

رئیس قوه قضائیه:

دولت مشکلات آسیب دیدگان خصوصی سازی را برطرف کند

گروه سیاست: کارگران شرکت هپکوی اراک همچنان نسبت به وضعیت اداره شرکت و پرداخت معوقات خود معترض هستند و بعد از سلسله اعتراضات سال گذشته مدتی است که مجددا اعتراضات خود را از سر گرفته اند...

صفحه ۲

سال هفدهم • شماره ۳۷۷۵ • موقتا ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

سند همکاری ایران و چین و ضرورت های دستگاه حکمرانی

کیومرث اشترینان . استاد دانشگاه تهران



این نوشتار از منظر زیر ساخت های فنی نظام سیاست گذاری و دستگاه دیوان سالاری ایرانی به پیش نویس سند «برنامه ۲۵ ساله همکاری های جامع ایران و چین» می پردازد. آنچه در رسانه ها بیشتر مشاهده می شود، شکل گیری یک نزاع سیاسی است تا بحثی کارشناسی. حتی برخی از استادان صاحب نام دانشگاهی نیز نتوانسته اند از زیر سایه سهمگین گرایش های جناحی یا دوگانه «پوزیسوین-اپوزیسوین» بیرون روند و به شکل فنی تری به موضوع بپردازند. البته نگاه های به ظاهر «فنی و غیرسیاسی» نیز نمی توانند کاملا از گرایش های خاص ارزشی فاصله بگیرند، اما گاه این گرایش ها ارزش سطحی کلان دارد (مثلا در سطح نظریه های توسعه) و گاه سطحی صرفا جناحی. اصل رابطه و توافقات راهبردی با چین یا با دیگر قدرت های اقتصادی جهانی ابزار مهمی برای ثبات اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی ماست. از این منظر چشم انداز چنین روابطی مثبت است. از منظر این مقاله آنچه اهمیت دارد، بود یا نبود این رابطه نیست، بلکه به نظر می آید آنچه مهم است، نگاه به این رابطه از منظر زیرساخت های فنی نظام سیاست گذاری ایران است. بر اساس این نکات زیر تأمل برانگیز است:

اول، «ظرفیت سازی زنجیره ای» در داخل نقش مهمی را در این گونه برنامه ها ایفا می کند. ظرفیت های بزرگ اقتصادی، صنعتی، معدنی و استراتژیک کشور باید از شالوده استحکام یافته درونی، تجهیز داخلی و چرخه ای قدرتمند بهره ببرد.

ادامه در صفحه ۲

جناب آقای احمد غلامی سردبیر محترم روزنامه شرق

مصیبت جانگاہ درگذشت برادر محترمتان را به جنابعالی و سایر بازماندگان تسلیت عرض می کنیم.

از خداوند منان برای آن عزیز از دست رفته مغفور

علو درجات را مسئلت داریم.

فرانک آرتا، زینب اسماعیلی، مهرشاد ایمانی، علی ایوبی
مرضیه امیری، محمد باقرزاده، سهند تاقی، فرزانه طهرانی
مهسا جزینی، شکوفه حبیب زاده، امیر محمد حسینی، سمیرا حسینی
شاهد حلاج، بهناز شیربانی، سحر طلوعی، وحیده کریمی
لیلا مرگن، سامان موحدی، روح اله نخعی، شهرزاد همتی

جناب آقای احمد غلامی نویسنده و سردبیر محترم روزنامه شرق

با تأسف و تأثر بسیار، درگذشت برادر گرامی تان را مصمیمانه تسلیت می گویم. برای شما و سایر بازماندگان

صبر آرزو مندیم.

ما را در غم خود شریک بدانید.

حافظ موسوی، امیر حسن چهل تن، محمود حسینی زاده، علی خدایی
لیلی گلستان، یونس تراکمه، علیرضا رئیس دانایی، حسین کریمی، احمد آرام
حمید امجد، شاپور بهیان، سعید رضوانی، اسماعیل حسن زاده، بابک رئیس دانایی
شیمایا بهر همد، امیر هوشنگ افتخاری زاده، علی شروقی، سعیده علیپور
پیام حیدر قزوینی، نسیم رزاقی، اردوان تراکمه، خلیل درمنگی
امیر حسین خورشیدفر، محسن ملکی

خبر به وقت شرق



هر شب در کانال تلگرامی شرق

@sharghdaily

یادداشت

«متناسب سازی یا یکسان سازی؟ مسئله این است»

متناسب سازی حقوق بازنشتگان در حوزه اصل کفایت قابل بحث و بررسی است و پرداختن به آن اهمیت و ضرورت می یابد. موضوع قابل بحث دیگر در این زمینه بحث ضرورت تشکیل پرونده حساب های انفرادی برای هر بیمه شده و مستمری بگیر است که در این پرونده همه دریافت ها (خدمات، مزایا، امکانات و...) و پرداخت های بیمه شده و مستمری بگیر (حق بیمه مکسوره از فرد بیمه شده و سهم الشرکه کارفرما و دولت) مشخص شود و به طور دقیق، صحیح شفاف و محاسبه پذیر ثبت و ضبط شده باشد. شکل گیری این پرونده و حساب می تواند هم انتظارات و توقعات ذی نفعان را سامان دهد و متناسب سازد و هم عملکرد و کارکرد سازمان و صندوق بیمه گر اجتماعی به خوبی تبیین کند.

در همین راستا یکی از مباحث مهم و ضروری مقوله نرخ جایگزینی (نسبت بین مستمری بازنشستگی با درآمد دوران اشتغال) به عنوان یک شاخص مهم و تأثیرگذار در پایداری مالی سازمان و صندوق بیمه گر اجتماعی و یک شاخص جهت بخش به نوع نگاه کارگران و کارمندان به کار و فعالیت و تلاش است و در کنار شاخص نرخ جایگزین مؤلفه های مالیاتی نیز اثر گذارند؛ یعنی اینکه مالیات را از حق بیمه بگیریم یا از مستمری که برعکس کشورهای پیشرفته دنیا در ایران غالبا مستمری ها از مالیات و نیز حق بیمه درمان معاف هستند و به بیان دیگر رویکرد نرخ جایگزینی در ایران در جهت کاهش جمعیت فعال و شاغل عمل می کند و در تلفیق با پدیده بازنشستگی زودرس (سخت زیان آور، ارفاقی و...) میل به اشتغال را پایین می آورد. علاوه بر شاخص جایگزینی، مقوله دریافتی بازنشستگان تابعی از برخی رویکردهای دولت و حاکمیت نیز هست؛ برای مثال در غالب صندوق های بازنشستگی حاکمیتی مانند لشکری، کشوری، نفت و... که دوجانبه هستند یعنی دولت در صندوق بیمه ای هم نقش حاکمیتی دارد و هم نقش کارفرمای بیمه شدگان (کارمندان لشکری، کشوری و...) عملا امتزاج و ادغام زیادی بین قوانین و مقررات و ضوابط بازنشستگی (از منظر امور استخدامی، پرسنلی و منابع انسانی) با قوانین و مقررات و ضوابط بیمه های بازنشستگی (از منظر صندوق بیمه گر اجتماعی) وجود دارد.

درباره سایر صندوق هایی که در آنها ارتباط سیستماتیک بیمه شده (کارمند و کارگر) پس از بازنشستگی با سازمان یا کارگاه محل کار قطع می شود (صندوق کشوری و سازمان تأمین اجتماعی)، عملا این امر میسر نیست و بعضا در این زمینه هم پوشانی اتفاق می افتد؛ یعنی فرد هم از محل کار قبلی خود از امکانات رفاهی استفاده می کند و هم از صندوق بازنشستگی خود از این امکان بهره می گیرد. نکته حائز اهمیت اینکه مابازای ریالی برخی از این امکانات رفاهی که افراد در دوران بازنشستگی دریافت می کنند، بعضا بسیار قابل توجه است یا حداقل اینکه بار مالی آن برای دولت و صندوق ها بسیار زیاد است اما چون شفاف و محاسبه پذیر نیست عملا به چشم ذی نفعان هم نمی آید و بعضا آن را حقوق متسبه فرض می کنند و مزایای علی حده ای را درخواست دارند.

سه اصل کلی در زمینه رفاه و تأمین اجتماعی به طور اعم و در حوزه بیمه های اجتماعی به طور اخص مطرح است که به ترتیب عبارت اند از فراگیری، جامعیت و کفایت که اصل فراگیری به معنای شمول خدمات به کلیه احاد جامعه یا تمامی اقشار و گروه های هدف که در شرایط حداقلی باید زمینه دسترسی و برخورداری و بهره مندی از سطح پایه خدمات برای همگان فراهم شود و برخی از پوشش های بیمه ای نیز به صورت اجباری و الزامی تعریف شوند و اصل جامعیت بدان معناست که باید کلیه احاد جامعه از انواع بیمه های اجتماعی اعم از درمانی، بازنشستگی و بی کاری بهره مند شوند یا زمینه بهره مندی آنان فراهم شود. به بیان دیگر در اینجا بسته خدمات و پوشش ها مطرح است که باید برای همگان زمینه بهره مندی از آن فراهم شود. بدیهی است در سطح پایه دولت مشارکت می کند در سطح مازاد دولت مشوق و محرک ارائه می کند و در سطوح مکمل دولت پشتیبانی حقوقی می کند. از منظر رفاهی و حوزه مدیریت منابع انسانی موضوع بهره مندی بازنشستگان از امکانات و مزایای اعطایی به شاغلان را می توان در این حوزه گنجانید.

اصل کفایت به این معناست که باید دریافتی از صندوق بیمه ای با نهاد حمایتی متناسب با نیاز فرد بیمه شده یا مددجو باشد و برای پوشش ریسک یا خطر و جبران و ترمیم خسارت مکفی باشد و او را کفایت کند. بحث

تأمین و تضمین حداقل زندگی (خط فقر مطلق یا نسبی) برای اقشار و گروه های هدف دارد و متأسفانه در فقدان این زیرساخت ملی، توقع تضمین و تأمین حداقل زندگی از سازمان ها و صندوق های بیمه گر اجتماعی می رود.

بدیهی است این مطالبه اجتماعی با توجه به شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه نیز متفاوت است. برای مثال رابطه نرخ تورم با میزان افزایش حداقل دستمزد دولتی و کارگری و نیز میزان و نوع افزایش سایر سطح دستمزدی با نرخ افزایش مستمری های بازنشستگی و از همه مهم تر متغیرهای اقتصادی دیگر نظیر ارزش و قدرت خرید پول ملی، وضعیت اشتغال و ازدواج جوانان (که از یک طرف می تواند در نوع مصارف فرد بازنشسته از بابت افراد تحت تکفل اثر بگذارد و از طرف دیگر به نسبت وابستگی و توان مالی یا پایداری مالی صندوق های بازنشستگی تأثیرگذار است) و...

نیز بر این موضوع اثرگذار است. در مجموع تبیین دقیق و صحیح موضوع «متناسب سازی» حقوق بازنشستگان بر مبنای اصول علمی و تجارب عملی دنیا و منطق با اصول و مبانی ارزشی و هنجاری طبق آموزه های اسلامی- ایرانی مسئله اصلی است. از طرفی اخیرا مباحثی درباره یکسان سازی حقوق افراد بازنشسته و شاغل مطرح شده است که باتوجه به معافیت مالیاتی و بیمه ای (بازنشستگی و درمانی) مستمری بگیران عملا در این حاضر نیز به ویژه در سطح دستمزدهای پایین عکس این مسئله صادق است و برای مثال یک کارگر ساده که حداقل دستمزد می گیرد به علت اینکه مالیات و حق بیمه از حقوقش کسر می شود، دریافتی اش از بازنشسته حداقل بگیر مشابه او کمتر است، چراکه بازنشسته بیمه مالیات نمی دهد به ویژه آنکه این برابری به حتمی رجوعان مستمری بازنشستگی نسبت به حقوق زمان اشتغال باعث کاهش میل به کار و اشتغال و فعالیت نیز می شود.

نکته دیگری که در این زمینه قابل طرح است موضوع برخورداری بازنشستگان از امکانات و مزایایی است که شاغلان از آن برخوردارند که بیشتر در حوزه مزایای رفاهی و انگیزشی و مناسبتی مطرح می شود که در این خصوص نیز بین دستگاه هایی که صندوق بیمه ای خاص خود را دارند نظیر لشکری، نفت، مس، فولاد، بیمه ها و بانک ها، شهرداری، صداوسیما و... این امر به خودی خود قابل انجام است ولیکن

علی حیدری



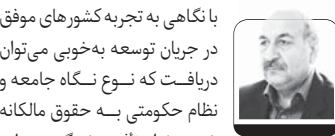
در سال های اخیر مباحث زیادی درباره نحوه افزایش سنواتی حقوق بازنشستگان در سطح نظامات تصمیم سازی و تصمیم گیری و اجرایی کشور و نیز در افکار عمومی و در سطح رسانه ها مطرح می شود و یکی از مطالبات و انتظارات رایج و مزمن تشکلهای بازنشستگی شده است. برای طرح این توقع و انتظار از کلمات و اصطلاحات متفاوتی استفاده می شود نظیر یکسان سازی، همسان سازی، هم تراز (معادل، نظیر، هم درجه، هم رتبه، هم سطح، هم شان، هم عرض) یا هم تراز (برابر، یکسان، هم وزن، هم ترازو) و... که اخیرا در متون و احکام قانونی و تلاش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی و درایت مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام از عبارت «متناسب سازی» استفاده شده است. تفاوت اصلی بین رویکردهای مختلفی که به این موضوع وجود دارد و تعبیری که به کار گرفته می شود، تمایز بین مساوات و عدالت است. بدین معنا که عده ای معتقدند افزایش سنواتی حقوق بازنشستگان مختلف با هر نوع و نحوه و میزان پرداخت حق بیمه باید با یکدیگر مساوی باشد؛ یعنی مساوات و برابری و برخی معتقدند باید افزایش سنواتی حقوق بازنشستگی براساس قاعده عدالت و اصول، قواعد و محاسبات بیمه ای و متناسب با میزان سنوات و مبلغ پرداخت حق بیمه انجام پذیرد. جالب اینکه الان مطالبه جدیدی مطرح می شود و آن اینکه حقوق بازنشسته باید با شاغل فعلی مشابه خود برابر باشد که این امر با موضوع نرخ جایگزینی و اصول و قواعد مغایر است.

نوع رویکردی که به موضوع می توان داشت باتوجه به سطح بندی بیمه (پایه، مازاد و مکمل) نوع تأمین مالی طرح (DB, DC, Payg) و...، نوع مالکیت و مدیریت صندوق بیمه ای (دولتی، عمومی غیردولتی، خصوصی) و نوع شرکای اجتماعی صندوق یعنی دوجانبه (کارمند + دولت) یا سه جانبه (کارگر + کارمند + دولت) و به ویژه نوع نگاه دولت ها به این مقوله متفاوت است و از همه مهم تر بستگی به وجود داشتن یا نداشتن زیرساخت های ملی نظیر

حرف اول

توسعه و حقوق مالکیت شهروندان

نامر ذاکری . پژوهشگر



با نگاهی به تجربه کشورهای موفق در جریان توسعه به خوبی می توان دریافت که نوع انتخاب جامعه و نظام حکومتی به حقوق مالکانه شهروندان تأثیر چشمگیری بر این جریان داشته است. به بیان دیگر هر جامعه ای که به حق مالکیت شهروندان احترام گذاشته و درصدد حمایت و حفاظت از این حق بوده، بیشتر از سایر ملل موفق به پیشرفت و دستیابی به رونق شده است. در مقابل بی اعتنایی به حق مالکیت به عنوان سد راه توسعه ظاهر شده است. پژوهشگران تاریخ معاصر ایران بر این نکته صحه می گذارند که سوتنبر حاکمان قاجار و فشار بی حدوصری که بر بازگان و فعالان اقتصادی وارد می کردند، موجب شد سرمایه عظیمی از کشور خارج شود و صنعت و تولید ملی در کشور قوام نیابد. زیرا آنان به چشم خویشتن می دیدند که مالک واقعی دارایی هایشان نیستند. همچنین تجربه کشورهای سوسیالیستی که با ادعای لغو مالکیت خصوصی و ترویج الگوی مالکیت جمعی کارشان را شروع کردند و با وجود موفقیت های نسبی متأثر از برنامه ریزی متمرکز در نهایت به بن بست رسیدند نیز می تواند از این منظر مورد مطالعه قرار گیرد. با این حال در نگاهی دقیق تر می توان گفت تثبیت حقوق مالکیت شهروندان از یک سو جریان پیشرفت همه جانبه کشور را تسهیل می کند، زیرا فعالان اقتصادی با شور و شوق بیشتر و انگیزه مضاعف به فعالیت می پردازند و دستاورد فعالیت خود را متکلم می کنند اما از سوی دیگر، افزایش درجه احترام به مالکیت خصوصی می تواند در برخی موارد موجب متوقف شدن موتور رشد جامعه می شود، زیرا می تواند به نوعی تعارض منافع بین فرد و جامعه منتهی شود. به این ترتیب موفقیت نظامات اقتصادی سیاسی حاکم بر جوامع بشری را باید با توفیق آنها در برزنگردن آثار مثبت و بی اثر یا کم اثر کردن آثار منفی گسترش مالکیت خصوصی بر جریان رشد و توسعه سنجید. به این ترتیب دو سؤال محوری و بسیار مهم در این میانه امکان طرح می یابند:

۱- حقوق مالکیت شهروندان چگونه تعریف شود که اثر مثبت بر جریان توسعه بگذارد و آثار منفی آن مایع رشد و توسعه نشود؟ ۲- کارنامه کشورمان در این میدان چگونه ارزیابی می شود؟

در پاسخ به اول می توان گفت همسوی بودن با به بیان دقیق تر تعارض حداقلی منافع فردی و اجتماعی در سده های گذشته در جوامع توسعه یافته کنونی موجب رونق اقتصادی و شکوفایی این اقتصادها را فراهم کرد.

ادامه در صفحه ۴

ادامه در صفحه ۱۰